

« لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ۗ »
سالیان و قرون متمادی است که دانشمندان و اندیشمندان عالم در پاسخ به این سؤال که محمد (ص) کیست و چه شخصیتی داشته است ؛ کتاب‌ها و مقالاتی نوشته اند و به قدر توان و فهم خویش مطالبی را بیان کرده اند ، به طوری که اگر بخواهیم آثاری را که در خصوص آن پیامبر عظیم الهی به زبان‌های مختلف تالیف شده است جمع آوری کنیم ، موسوعه ی بسیار عظیمی خواهد شد که از نظر کمی و کیفی بی نظیر است . به نظر شما رمز عظمت و ماندگاری شخصیت فردی که به مکتب نرفت و خط نثوشت و مسألهٔ آموز صد مدرس شد ، چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دست پروردگار عالمیان پرورش یافت و در مدت رسالت و پیامبری به پیروزی‌های بزرگی دست یافت که بخشی از آن عبارتند از:

– لغو امتیاز خواهی و برتری جویی سفید بر سیاه .
– مبارزه با نظام قبیلگی و قوم محوری .
– رهاپیدن ستم‌دیدگان از دست ظلم ستمگران و طاغوت.

– تثبیت و احیای حقوق از دست رفته ی زنان
– فراخوانی مردم به کسب علم و دانش و دوری از فساد و فحشا.

– پی ریزی پایه و شالوده ی حکومت بر اساس عقل ، منطق و درایت به جای احساس و عاطفه.
– و در یک کلام ، او توانست مردمان خشن ، بی‌عاطفه و بی احساس شبه جزیره ی عربستان را پس از قرن‌ها فلاکت و بدبختی به عزت و سربلندی و نام آوری برساند و گستره ی حکومت اسلامی را از آن سرزمین خشک و سوزان تا عمق آفریقا و اروپای سر سبز و پر دامنه امتداد بخشد .

ما در این نوشتار به اختصار ، تنها به یکی از ابعاد شخصیتی پیامبراسلام ، یعنی اخلاق اجتماعی آن حضرت

در کلام بزرگ مربی او ، حضرت رب العالمین می‌پردازیم ، چه این که حضرتش فرمود: « انا ادیبُ الله و علی ادیبی…» من تربیت یافته خدای متعال هستم و علی به دست من تربیت شده

است. در ادامه نیز اخلاق اجتماعی آن حضرت را در احادیث شیعه و سنی بررسی می‌کنیم.
خداوند متعال در سوره ی مبارکه ی آل عمران ، آیه ۱۵۹ چنین می‌فرماید :
« فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ قَطًّا وَ غَلِظَ الْقَلْبُ لَا نَفَعْنَا مِنْ حَوَکِ فَاغْتَبْ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَاذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.»
در آیه فوق رمز جذب و گرایش مردم نسبت به پیامبرصلی الله علیه و آله ، نرم خوبی ، خوش‌رویی و ملامت آن حضرت در رفتار با مردم شمرده شده است و تأکید می‌کند که :
" اگر خودت نبودی ، مردم از اطراف تو بپراکنده می‌شدند و این موهبتی الهی است."

برای آشنایی بیشتر با خلق و خوی عظیم رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به سراغ جمعی از صحابه ی آن حضرت می‌رویم و از آنان می‌خواهیم برایمان از خصوصیات رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن بگویند :

پیامبر صلی الله علیه و آله با هم‌راهان انس بن مالک ، که ده سال به خدمتگزاری رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخت ،

می‌گوید: در این مدت برای کارهایی که انجام می‌دادم حتی نمی‌گفتند: چرا این کار را کرده ای؟ و اگر کاری را ترک می‌کردم و انجام نمی‌دادم ، نمی‌گفتند: چرا انجام نداده ای؟ ایشان در این مدت به من حتی «اف» نگفتند (کلمه ای که حکایت از اعتراض و ناراحتی داشته باشد ، از ایشان شنیده نشد).

انس می‌گوید: غذای آن حضرت یک جرعه شیر برای افطار و یک جرعه برای سحر بود و چه بسا تنها یک جرعه برای افطار و سحر میل می‌نمودند.

یک شب برای افطار آن حضرت شیر آماده کرده بودم ولی با تأخیر حضرت مواجه شدم. گمان کردم حضرت به منزل یکی از صحابه رفته و افطاری خورده است ؛ از این رو شیر را نوشیدم.

حضرت پس از عشا از مسجد آمدند ، من بلافاصله از یکی از صحابه ی حضرت پرسیدم: آیا پیامبر افطاری خورده اند؟ گفت: خیر. پیامبر صلی الله علیه و آله بی آن که چیزی بگوید و اعتراضی کنند شب را بدون غذا و افطار به صبح رساندند و تا به حال حتی سوآلی در آن مورد نپرسیده ، بلکه یادآوری هم نکردند.

همکاری در کارهای گروهی

یکی از ویژگی‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، تواضع و فروتنی بود تا جایی که در جمع اصحاب بدون هیچ امتیازخواهی به همکاری و همیاری می‌پرداخت.

در کتاب ارزشمند مکالم الاخلاق چنین نقل شده است که : روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به همراه کاروان در سفر بودند ،

وهاب‌خوب

مهر احمدی

پیامبر فرمود: « گو سفندی برای غذا آماده شود.»
یکی از صحابه گفت: ذبح آن با من ، دیگری گفت : پوست کردن و سلاخی آن نیز با من ، دیگری گفت: پختن آن هم با من ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « جمع آوری هیزم و چوب نیز به عهده من ، « اصحاب گفتند: یا رسول الله ، با بودن ما شما زحمت نکشید. فرمود: « می‌دانم شما کارها را انجام می‌دهید ولیکن من دوست ندارم که بر شما امتیازی داشته باشم و خداوند نیز از امتیاز داشتن بنده اش در میان اصحاب خود خشنود نیست . « آن گاه برخاست و به جمع آوری هیزم پرداخت.

رفاقت و دوستی با یاران

در کتاب شریف کافی حدیثی بسیار جالب و خواندنی ، در موضوع رفاقت رسول خدا صلی الله علیه و آله با صحابه نقل شده که متن آن چنین است:

« رسول خدا صلی الله علیه و آله برای انجام غسل از منزل خارج شده و به سوی چاه رفتند ، حذیفه بن یمان با پارچه‌ای حایل ایجاد کرد تا پیامبر غسل کرد. آن گاه حذیفه برای غسل نشست ، پیامبر صلی الله علیه و آله پارچه ای را برداشت تا برای او حایلی درست کند. حذیفه ابا کرد و گفت: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا ، این کار را نکنید. پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت و پارچه را نگه داشت تا حذیفه غسل کرد و فرمود: « هر گاه دو نفر با هم دوست شدند ، محبوب‌ترین آن‌ها نزد خداوند کسی است که با دوستش بیشتر رفاقت و همکاری کند.»

پیامبر عظیم الشان اسلام در مجالست با دوستان ، هیچ گاه خود را برتر و بالاتر از دیگران نمی‌دانست و در جمعی که ایشان حضور داشت ، اگر شخص غربیی وارد می‌شد و پیامبر را نمی‌شناخت باید سؤال می‌کرد که: کدامتان رسول خدا هستید چون آن قدر بی‌آلایش و خاکی بود که از محل جلوس و شکل لباس وی ، کسی نمی‌توانست ایشان را بشناسد و همواره به اصحاب و یاران با التفات می‌نگریست. به این داستان توجه کنید.

روزی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه ی پیامبر شدند ، به قدری ازدحام شد که دیگر در خانه جا نبود. جریربن عبدالله (یکی از اصحاب) آمد ولی به دلیل ازدحام ،

خارج از منزل نشست. پیامبر با دیدن او لباس خود را (عبای خود را) برداشت ، پیچیده و برای وی فرستاد و فرمود: روی این لباس بنشین. جریر بن عبدالله (که تحت تأثیر مهرورزی پیامبر قرار گرفته بود) لباس را برداشت ، بوسید و بر دیدگان خود گذاشت.

برای مبارزه با تملقت و چاپلوسی و تعارفات بی فایده و پر ضرر ، مناسب است سیره ی عملی پیامبر اکرم را اسوه و الگوی خویش قرار دهیم . انس بن مالک می‌گوید : محبوب ترین فرد نزد اصحاب ، رسول خدا صلی الله علیه و آله بود ولی با این حال وقتی پیامبر را می‌دیدند از جا بلند نمی‌شدند ، زیرا پیامبر این کار را دوست نداشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به همه اهل مجلس به طور یکسان التفات می‌نمود ؛ تا کسی گمان نکند که دیگری نزد پیامبر گرامی تر است و لحظات خود را میان آنها تقسیم می‌کرد. او با یاران خود می‌نشست ، گفت وگو می‌کرد ، فرزندانشان را مورد تقدد قرار می‌داد و بر دامن خود می‌نشاند.

در سلام کردن از همه پیشی می‌گرفت و در مصافحه ، همیشه دست خود را زودتر جلو می‌برد . اصحاب خود را با بهترین اسمشان صدا می‌کرد و سخن کسی را قطع نمی نمود.

اوج مهر ورزی رسول خدا صلی الله علیه و آله

عفو و گذشت ، از زیباترین خصایص انسانی است و انسان هر قدر با فضیلت تر باشد میزان عفو ، گذشت و پرهیز از انتقام جویی نیز در او بیشتر خواهد بود . زندگی رسول خدا آن هم در میان اعراب تندخو ، خشن و احساسی ، سرشار از مهر و مهرورزی بود . برای آشنایی بیشتر به داستان زیر توجه کنید :

هیار بن اسود کسی است که هم‌زمان با خارج شدن زینب علیها سلام (دختر پیامبر) از مکه به او حمله می‌کند که در اثر این حمله ، وی پس از مدتی بیماری و تحمل رنج وفات می یابد. همو (هیار) وقتی مسلمان شد نزد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای رسول خدا، ما اهل شرک بودیم که خدا به وسیله ی تو ما را هدایت کرد و به واسطه ی تو ما را از هلاکت رهانید . از نادانی من و از آن چه به تو رسیده (وفات دخترت زینب) در گذر من به

باشند.

– وضعیت و ارتباط تشیع ایران با امام رضا علیه السلام چگونه است؟
قبل از حضرت رضا علیه السلام، تشیع، در برخی از مناطق ایران نفوذ کرده بود، مثل: قم، کاشان و لرستان؛ در قسمتی از گیلان و سیبدرود و مازندران هم عده‌ای شیعه زیدی بودند. گزارش جغرافیایی دینی ایران، در کتاب «أحسن التقاسیم فی معرفة الاقالم» به تفصیل آمده است. ورود امام به ایران و شهادت و دفن آن حضرت در ایران، موجب شد که آرام آرام زمینه‌های تشیع در ایران بیشتر شود.

– اولین سفری که به مشهد مشرف شدید چه زمانی بود و چه خاطره‌ای از آن ایام دارید؟

سفر اولی که به ایران آمدم، شرایط آب و هوایی با عراق بسیار متفاوت بود، احوال مناسبی نداشتم؛ البته این داستان مربوط به سال ۱۳۵۲ است. یک نسخه خطی «من لایحضره الفقیه» که مربوط به یکی از دوستان بود، برای ارزایی به من سپرده شده بود. خیلی سخت بود که به مشهد نرفتم، به عراق برگردم. با خودم گفتم تقالی به «من لایحضره الفقیه» بزنم. در صدر صفحه این سخن آمده: قال الصادق علیه السلام، «ما صُفِّفَ بَدَنُ امرءٍ عَمَّا قَوَّبَتْ عَلَیْهِ اللَّیْئَةُ؛ اگر عزم و تصمیم قوی باشد، بدن کسی ضعیف و ناتوان نیست. (۵) بلند شدم و با همان بیماری به مشهد رفتم و خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. در تهران تا مشهد می‌شده پوشیده از برف بود. در مدرسه میرزا جعفر مشهد – که مقابل در مسجد گوهرشاد بود و الان خراب شده است – برف تا طبقه دوم مدرسه ارتفاع

پنجمشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۶

کار زشت و گناه خود اعتراف می‌کنم. پیامبر که غم بزرگی بر دل داشت با مهرورزی تمام فرمود: « همانا خداوند ، به تو احسان کرد و به سوی اسلام هدایت نمود ، اسلام گذشته‌ها را نادیده می‌گیرد و پاک می‌کند…» آیا این نوع گذشت و بخشش جز از قلب مالامال از رحمت و شفقت صادر می‌شود.

حلم و بردباری رسول خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، چند دینار به مردی یهودی بدهکار بود. مرد یهودی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: طلب مرا بده. پیامبر فرمود: « در حال حاضر چیزی ندارم که پرداخت کنم.»

یهودی گفت: من تو را رها نمی‌کنم و از تو جدا نمی‌شوم تا طلبم را بگیرم! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: « در این صورت من هم با تو می‌نشینم.» رسول خدا با او نشست تا در همان مکان نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و نماز صبح روز بعد را اقامه نمود. در این میان اصحاب ، آن مرد را تهدید می‌کردند و وعده و وعید می‌دادند.

پیامبر به اصحاب خود نگاه کرد و فرمود: «با او چه می‌کنید؟! گفتند: ای رسول خدا ، یهودی شما را زندانی کند؟! فرمود: « خداوند مرا مبعوث نکرده تا به دیگران ظلم روا دارم . زمان هم چنان می‌گذشت و کانون حلم و بردباری هرگز عصبانی نمی‌شد تا خورشید تابیدن گرفت و روز آشکار شد. ناگهان مرد یهودی گفت: اشهد ان لاله الاالله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله! !

مرد یهودی مال خود را در راه خدا تقسیم کرد و گفت: رفتار من با تو برای آن بود که ببینم صفاتی که در تورات برایت آمده در وجود تو متبلور هست یا خیر. زیرا در تورات خوانده بودم: محمد بن عبدالله، در مکه متولد می‌شود و به مدینه هجرت می‌کند ، او تندخو ، خشن و اهل داد و فریاد فحاشی نیست.»

راستی رسول خدا چگونه این سعه ی صدر و بسط وجه را در وجود خود نهادینه کرده بود؟ امید که با پیروی از سیره ی ارزشمند آن پیامبر بزرگ ، در عمل بتوانیم زینت بخش دین مبین اسلام باشیم و دیگران را با رفتار خود ، به سوی دین و آیین محمدی صلی الله علیه و آله دعوت نمایم .



سیره امام رضا علیه السلام در

متن زندگی

بین امام رضا علیه السلام

و پیامبر صلی الله علیه و آله

فرقی نیست. این که امام

سلسله سند حدیث را تا

پیامبر اکرم نقل می‌کند، برای

این است که بر اساس نگاه

مخاطبان سنی، حدیث باید

متصل السند باشد تا مقبول

ببافتد

در صبح روزی نیمه ایری، به سراغ خانه استاد شیخ محمدرضا جعفری رفتم. کسانی که با وی ارتباط داشتند. علامه‌اش می‌خواندند. تخصص او تاریخ است و تفسیر و حدیث و اعتقادات و … یعنی وی در تمام رشته‌های دینی کارآمد و توانگر است. ولی بیش از همه اینها، فهم تاریخ و دانش تاریخی و درایت تاریخی او زبانزد و مشهور است.

وارد خانه‌اش شدیم. پیرمردی دیدیم، نشسته بر روی صندلی که بیماری‌های فراوانی داشت، ولی دارای دلی جوان بود و شادابی و مهربانی و محبت او، کمک کرد تا زودتر با او گفتگو کنیم. شخصیت علمی او، مانند کوه پر برفی بود که به اشاره‌ای کوتاه به یک موضوع علمی، کافی بود تا کوه دانش افشان علامه جعفری، فوران کند. با حوصله تمام، سخنان ما را شنید و بر سوال‌های ما جامه پاسخ پوشاند. در آن مجلس، از مسائل مختلف سخن به میان آمد، وی به توضیح و تشریح پرداخت. باری، او به راستی «جهانی است بنشسته در گوشه‌ای».

آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای از گفتگوی ما با ایشان درباره شخصیت امام رضا علیه السلام است:

– جناب استاد! به نظر شما مهم‌ترین ویژگی عصر امام رضا علیه السلام چیست؟

از امتیازات امام رضا علیه السلام این بود که پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیهم‌السلام، به طور علنی، امامت خود را اعلان کرد؛ مردم را به نفس دعوت می‌کرد و تقیه نمی‌کرد. یونس بن عبدالرحمن یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام است. وی برای امام می‌نویسد:

«انّ سیف هارون یقطر من دماءک و قد شهرت نفس بدعوی الامامة، مولای من، شمشیر هارون از خون شما (اهل بیت) خون‌چکان است و با این حال، شما خود را به امامت مشهور کرده‌اید.»(۱) از طرف امام، نامه‌ای برای یونس بن عبدالرحمن فرستاده می‌شود که: هارون عاجزتر از آن است که به من م آسیبی برساند.(۲)

امام رضا علیه السلام، آنچه را که سایر ائمه علیهم

^[1] از دلایل دیگر نقل این حدیث در نیشابور، علمی

^[2] از دلایل دیگر نقل این حدیث در نیشابور، علمی